شنبه 20/5/1403-5 صفر6 144 –10 اگوست 2024-درس 74اصول فقه الاداره – اصول نظریه پردازی – رکن سوم نظریه پردازی –پاسخ پردازی – ب :پاسخ گویی به سوالات نظریه سازی

ب – پاسخ گویی به سوال نظریه پردازانه

مهم این است که سوالات عرف خاص پاسخ شرعی و دینی داشته باشد که با اجتهاد و استنباط بدست می آید . (در پرسمان نظریه پردازی )(ادامه دارد )

معلوم شد که پاسخ سوالات نظریه ساز عرف خاص توسط مجتهد نظریه پرداز از ادله شرعیه کشف و داده میشود کشفی با اصول معتبره استنباط. در نوبت قبل پرسمان نظریه نظم را به کمک قرآن کریم نگاهی انداختیم . همین نظریه در اخبار باب مانند مضمون توحید مفضل به خوبی پاسخگوی مبر هن سوالات نظریه ساز عرف خاص است مورد تفقه و تفطن قرار میدهیم :

امام ع به مفضل: يَا مُفَضَّلُ أَوَّلُ الْعِبَرِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى الْبَارِي جَلَّ قُدْسُهُ تَهْيِئَةُ هَذَا الْعَالَمِ وَ تَأْلِيفُ أَجْزَائِهِ وَ نَظْمُهَا عَلَى مَا هِيَ عَلَيْهِ فَإِنَّكَ إِذَا تَأَمَّلْتَ الْعَالَمَ بِفِكْرِكَ وَ خَبَرْتَهُ بِعَقْلِكَ وَجَدْتَهُ كَالْبَيْتِ الْمَبْنِيِّ الْمُعَدِّ فِيهِ جَمِيعُ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ عِبَادُهُ فَالسَّمَاءُ مَرْفُوعَةٌ كَالسَّقْفِ وَ الْأَرْضُ مَمْدُودَةٌ كَالْبِسَاطِ وَ النُّجُومُ مُضِيئَةٌ كَالْمَصَابِيحِ وَ الْجَوَاهِرُ مَخْزُونَةٌ كَالذَّخَائِرِ وَ كُلُّ شَيْ‏ءٍ فِيهَا لِشَأْنِهِ مُعَدٌّ وَ الْإِنْسَانُ كَالْمَلِكِ ذَلِكَ الْبَيْتِ وَ الْمُخَوَّلِ جَمِيعَ مَا فِيهِ وَ ضُرُوبُ النَّبَاتِ مُهَيَّأَةٌ لِمَآرِبِهِ وَ صُنُوفُ الْحَيَوَانِ مَصْرُوفَةٌ فِي مَصَالِحِهِ وَ مَنَافِعِهِ فَفِي هَذَا دَلَالَةٌ وَاضِحَةٌ عَلَى أَنَّ الْعَالَمَ مَخْلُوقٌ بِتَقْدِيرٍ وَ حِكْمَةٍ وَ نِظَامٍ وَ مُلَائَمَةٍ وَ أَنَّ الْخَالِقَ لَهُ وَاحِدٌ وَ هُوَ الَّذِي أَلَّفَهُ وَ نَظَّمَهُ‏ بَعْضاً إِلَى بَعْضٍ جَلَّ قُدْسُهُ وَ تَعَالَى جَدُّهُ وَ كَرُمَ وَجْهُهُ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ تَعَالَى عَمَّا يَقُولُ الْجَاحِدُونَ وَ جَلَّ وَ عَظُمَ عَمَّا يَنْتَحِلُهُ الْمُلْحِدُونَ‏[[1]](#footnote-1)

اى مفضّل! نخستين عبرت و دليل بر خالق جلّ و علا، همين هيأت دهى، گردآورى اجزا و نظم‏ آفرينى در كار اين عالم است؛ از اين رو اگر با انديشه و خرد در كار عالم، نيك و عميق تأمل كنى، هر آينه آن را چون خانه و سرايى مى‏يابى كه تمام نيازهاى بندگان خدا در آن آماده و گرد آمده است. آسمان، همانند سقف، بلند گردانيده شده، زمين بسان فرش، گسترانيده شده، ستارگان چون چراغهايى چيده شده و گوهرها همانند ذخيره‏هايى در آن نهفته شده و همه چيز در جاى شايسته خود چيده شده است. آدمى نيز چون كسى است كه اين خانه را به او داده‏اند و همه چيز آن را در اختيارش نهاده‏اند. همه نوع گياه و حيوان براى رفع نياز و صرف در مصالح او در آن مهياست.[[2]](#footnote-2)

اينها همه، دليل آن است كه جهان هستى با اندازه‏گيرى دقيق و حكيمانه و نظم‏ و تناسب و هماهنگى آفريده شده. آفريننده آن يكى و او همان شكل ده، نظم‏ آفرين و هماهنگ‏كننده اجزاى آن است. براستى كه او در قدسش جليل و در كارش بلند مرتبه و وجهش كريم است. خدايى جز او نيست و از آنچه منكران مى‏پندارند منزّه و از آنچه ملحدان به او نسبت مى‏دهند برتر و جليلتر است.[[3]](#footnote-3)

اگر چنين تدبير و حكمتى زاييده اهمال و رها بودن امور به حال خود بود، مى‏بايست از تقدير و هدفمندى نيز اختلال و ناهماهنگى برخيزد؛ زيرا اين دو ضدّ اهمال‏اند. [و بايد نتيجه آنها نيز با نتايج اهمال نسازد] بى‏شك چنين سخنى ناشايست و ناصواب و نشانه ناآگاهى و كم‏مايگى گوينده آن است؛ چه هيچ گاه در اثر اهمال و بى‏تدبيرى، درستى و صواب پديد نمى‏آيد و تضاد نيز نظم‏ و هماهنگى را در پى ندارد. خداوند چه بسيار منزه و والاتر از گفته ملحدان است. (اسراء، آيه 43)[[4]](#footnote-4)

كسى كه كس قادر بر شكر واقعى او نيست؟ در آنچه گفتم خوب انديشه نما، آيا ذرّه‏اى در اين سازماندهى و نظم‏ و ترتيب، ناهماهنگى مى‏بينى؟ براستى كه خداوند از آنچه وصف مى‏كنند پيراسته است. (انعام، آيه 100)[[5]](#footnote-5)

بى‏ترديد اگر [اين نقشها و رنگها] از اهمال و خود به خود پديد مى‏آمد هر آينه بايست اين گونه نظم‏ و هماهنگى و يك دستى در كار نبود و همه چيز ناهماهنگ و در هم ريخته بود.[[6]](#footnote-6)

نيز اگر همه در انتقال بودند منازلى نداشتند كه شناخته شوند؛ زيرا هنگامى مى‏توان به انتقال پى برد كه ثوابتى در ميان باشد چنان كه يك مسافر كه در حركت است [و از منزلى به منزل ديگر منتقل مى‏شود] با همان منازل راه مسيرش شناخته مى‏شود. پس اگر در يك حال مى‏بود، اين نظم‏ و نظام نبود و بهره‏ها و فوايد اين حركات از ميان مى‏رفت و در اين صورت كس تواند كه بگويد از آن جهت كه ذكر شد در كار آنها اهمالى و تصادف و ناهماهنگى است؟[[7]](#footnote-7)

اى مفضّل! بدان كه نام اين جهان در نزد يونانيان «قوسموس» است. اين كلمه به معنى «آراستگى» است. كسانى كه دعوى فلسفه و حكمت دارند نامش را اين گونه نهاده‏اند. آيا اين نامگذارى جز براى آن است كه در آن، حساب و كتاب دقيق و نظم‏ و حكمت را ديدند و راضى به اينها نشدند و در نهايت جهان هستى را «آراستگى» و «زينت» نام نهادند تا بگويند كه با تمام استوارى و حكمتى كه در آن نهفته در نهايت «حسن» و «بهاء» و زيبايى نيز هست.[[8]](#footnote-8)

 مفضل در ادامه از امام می پرسد: « يَا مَوْلَايَ إِنَّ قَوْماً يَزْعُمُونَ أَنَّ هَذَا مِنْ فِعْلِ الطَّبِيعَةِ » برخی می گویند این اموری که در عالم مشاهده می شود حاصل خود طبیعت است .[[9]](#footnote-9). فرمودند « سَلْهُمْ عَنْ هَذِهِ الطَّبِيعَةِ أَ هِيَ شَيْ‌ءٌ لَهُ عِلْمٌ وَ قُدْرَةٌ عَلَى مِثْلِ هَذِهِ الْأَفْعَالِ أَمْ لَيْسَتْ كَذَلِكَ فَإِنْ أَوْجَبُوا لَهَا الْعِلْمَ وَ الْقُدْرَةَ فَمَا يَمْنَعُهُمْ مِنْ إِثْبَاتِ الْخَالِقِ فَإِنَّ هَذِهِ صَنْعَتُهُ وَ إِنْ زَعَمُوا أَنَّهَا تَفْعَلُ هَذِهِ الْأَفْعَالَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا عَمْدٍ وَ كَانَ فِي أَفْعَالِهَا مَا قَدْ تَرَاهُ مِنَ الصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةِ عُلِمَ أَنَّ هَذَا الْفِعْلَ لِلْخَالِقِ الْحَكِيمِ فَإِنَّ الَّذِي سَمَّوْهُ طَبِيعَةً هُوَ سُنَّتُهُ فِي خَلْقِهِ الْجَارِيَةُ عَلَى مَا أَجْرَاهَا عَلَيْه‌ » از این افراد سوال کن آیا آنچه طبیعت انجام می دهد از روی علم و توانایی است یا بدون علم و توانایی و از روی تصادف صورت گرفته است؟ اگر بگویند از روی علم و توانایی است در این صورت دعوا لفظی خواهد بود. زیرا ما نیز همین را می گوییم منتها ما اسم آن موجود را خداوند می گذاریم و آنها آن را طبیعت می نامند. اما اگر بگویند طبیعت بدون علم و توانایی این کارها را انجام می دهد در این صورت همه می دانند که این مطلب اشتباه است و هیچ کس باور نمی کند که این نظام دقیق محصول یک موجود بی شعور باشد.

 بعد امام فرمودند: « فَإِنَّ الَّذِي سَمَّوْهُ طَبِيعَةً هُوَ سُنَّتُهُ فِي خَلْقِهِ الْجَارِيَةُ عَلَى مَا أَجْرَاهَا عَلَيْه‌ »[[[10]](#footnote-10)](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/kalam/92/920631/" \l "_ftnref6" \o "توحید مفضل ، امام صادق (ع) ، ص 55، ط : داوری)آنچه آنان طبیعت می دانند سنت الهی است كه جاری شده و اشياء را با اسباب ایجاد می کند . اما جاهلان بر اين اسباب نظر افكنده‌اند و از مسبب الاسباب غافل شده‌اند. [[11]](#footnote-11)

اقول : نظریه نظم متخذ از معصومین ع و قرآن کریم یعنی همین . نظریه نظم با برهان نظم مبرهن میشود نظم یعنی تدبير، حكمت، اندازه‏گيرى و هماهنگى در اشيا محيّر العقول .[[12]](#footnote-12) محور نظم شامل برنامه ریزی سازماندهی هماهنگی و نظارت است که همه اینها در این جهان موجود است و الا برقرار نبود .

هدف ما پردازش نظریه نظم نیست فقط میخواهیم بگوییم که پاسخ سوال عرف خاص را باید به گونه مبرهن از متن شرع کشف کرد که ملاحظه شد که شرع واقعا وبخوبی پاسخ را آماده دارد . ( ادامه دارد )

1. توحيد المفضل / 47 / تهيئة العالم و تأليف أجزائه ..... ص : 47

   شگفتيهاى آفرينش (ترجمه توحيد مفضل) / 26 / 6 - مشابهت توحيد مفضل با قرآن كريم ..... ص : 26

   نظم‏، تدبير، حكمت، اندازه‏گيرى و هماهنگى در اشيا محيّر العقول است. [↑](#footnote-ref-1)
2. شگفتيهاى آفرينش (ترجمه توحيد مفضل) / 46 / [هيأت جهان و شكل‏گيرى آن‏] ..... ص : 46 [↑](#footnote-ref-2)
3. شگفتيهاى آفرينش (ترجمه توحيد مفضل) / 46 / [هيأت جهان و شكل‏گيرى آن‏] ..... ص : 46 [↑](#footnote-ref-3)
4. شگفتيهاى آفرينش (ترجمه توحيد مفضل) / 49 / راز رويش مو بر صورت ..... ص : 48 [↑](#footnote-ref-4)
5. شگفتيهاى آفرينش (ترجمه توحيد مفضل) / 64 / [آفرينش انسان به صورت نر و ماده‏] ..... ص : 63 [↑](#footnote-ref-5)
6. شگفتيهاى آفرينش (ترجمه توحيد مفضل) / 109 / [راز ناهمگونى رنگ پرندگان‏] ..... ص : 108 [↑](#footnote-ref-6)
7. شگفتيهاى آفرينش (ترجمه توحيد مفضل) / 123 / [ستارگان و اختلاف حركت آنها و اينكه برخى جملگى و برخى بتنهايى در حركت‏اند] ..... ص : 122 [↑](#footnote-ref-7)
8. شگفتيهاى آفرينش (ترجمه توحيد مفضل) / 162 / [نام يونانى اين جهان هستى‏] ..... ص : 162 [↑](#footnote-ref-8)
9. ( این همان اشکال معروفی است که توسط نظریه داروین با نام انتخاب طبیعی مطرح است در عصر جدید نیز مطرح است ) امام جوابی دادند که تا قیامت جواب است(ربانی ) [↑](#footnote-ref-9)
10. توحید مفضل ، امام صادق (ع) ، ص 47، ط : داوری [↑](#footnote-ref-10)
11. توحید مفضل ، امام صادق (ع) ، ص 55، ط : داوری

     امام در اینجا به مساله دیگری اشاره می نمایند. امروزه در دنیای مسیحیت بعد از شبهاتی که توسط هیوم و دیگران بر برهان نظم گرفته شده، عده ای برای حل این مشکل گفته اند: ما برهان نظم را مانند قدیمی ها بکار نمی بریم بلکه سخن را لطیف تر کرده و یک قدم عقب تر می رویم و از خود انتخاب طبیعی سوال می کنیم. چگونه طبیعت دست به چنین انتخابی می زند؟ آیا خود همین انتخاب کردن نیازمند یک شعور و تدبیر نیست؟ برهان نظم یعنی عالم به گونه ای بنا شده که قابلیت انتخاب طبیعی داشته باشد. به عبارت دیگر پدیده های گوناگون محصول انتخاب طبیعی است اما چه چیزی باعث همین انتخاب می شود؟ طبیعت وام دار نظم حاکم بر عالم است. این امر نیست مگر تکیه داشتن بر یک فاعل حکیم و توانا .(ربانی )

    |  |
    | --- |
    |  |
    |  |

    [↑](#footnote-ref-11)
12. شگفتيهاى آفرينش (ترجمه توحيد مفضل) / 26 / 6 - مشابهت توحيد مفضل با قرآن كريم ..... ص : 26 [↑](#footnote-ref-12)